

A content Analysis of the characteristics of the Saleh school mentioned in the transformation document Education based on Mahdavi education components

Dr. Hadi Karimi Aqda ¹

Dr. Mohammad Mahdi Dehghani Ashkezari ²

Abstract

The present research has been conducted with the aim of analyzing and investigating the level of attention paid to the components of Mahdavi education in the section on the characteristics of Saleh School, the theoretical foundations of the document on the development of education in the Islamic Republic of Iran. Employing a descriptive content analysis method, this research highlights the significance of formal education in shaping individuals' lifestyles and emphasizes the necessity of incorporating Mahdavi education dimensions into the formal education system. By examining the concept of a "Saleh" school and its characteristics, the study seeks to determine the level of attention given to Mahdavi education within the context of the country's formal education system. A content analysis of the sections related to the characteristics of a "Saleh" school was conducted using a researcher-developed checklist based on a model centered on the fundamental components of Mahdavi education in four dimensions: cognitive, affective, behavioral, and action-oriented. The research findings reveal that the cognitive dimension receives the most attention, while the affective dimension is given the least consideration. Given the crucial role of the affective dimension in the religious development of children and adolescents, who constitute the majority of the "Saleh" school's target population, it is recommended that greater emphasis be placed on this dimension of Mahdavi education within the school's educational programs.

Keywords: Mahdavi education, Saleh school, cognitive dimension, affective dimension, action-oriented dimension, behavioral dimension

-
1. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran(Responsible Author)
 2. Assistant Professor, Department of Islamic Education, Farhangian University, Tehran, Iran



ISSN:2423-7663



فصلنامه علمی - پژوهشی مهدویت
سال هجدهم / شماره هفتاد و سوم / پائیز ۱۴۰۲

تحلیل محتوای ویژگی‌های مدرسه صالح مطرح در سند تحول آموزش و پرورش براساس مؤلفه‌های تربیت مهدوی*

هادی کریمی عقدا^۱

محمد مهدی دهقانی اشکذری^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تحلیل و بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های تربیت مهدوی در قسمت ویژگی‌های مدرسه صالح، مبانی نظری سند تحول بنیادین در نظام تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران انجام شده است. روش پژوهش، توصیفی و از نوع تحلیل محتوا می‌باشد. در این پژوهش ضمن توجه به اهمیت جایگاه تربیت رسمی عمومی در پایه‌ریزی سبک زندگی افراد جامعه، به ضرورت توجه به ابعاد تربیت مهدوی در تربیت رسمی عمومی پرداخته شده است. در ادامه ضمن بررسی مفهوم مدرسه صالح و ویژگی‌های آن در راستای مشخص ساختن میزان توجه به ابعاد تربیت مهدوی در مدرسه صالح مورد نظر نظام تربیت رسمی عمومی کشور، تحلیل محتوای قسمت‌های مربوط به ویژگی‌های مدرسه صالح با استفاده از فهرست و ارسای تحلیل محتوای محقق ساخته براساس الگوی مبتنی بر مؤلفه‌های اساسی تربیت مهدوی در چهار بُعد شناختی، عاطفی، رفتاری و کنشی انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بیشترین توجه به بُعد شناختی و کمترین توجه به بُعد عاطفی صورت گرفته است. با توجه به نقش بُعد عاطفی در تحول دینداری کودکان و نوجوانان که بیشترین مخاطبان مدرسه صالح را تشکیل می‌دهند لازم است به این بُعد از تربیت مهدوی در برنامه‌های تربیتی مدرسه صالح توجه بیشتری شود.

واژگان کلیدی

تربیت مهدوی، مدرسه صالح، بُعد شناختی، بُعد گرایش، بُعد کنشی، بُعد رفتاری.

مقدمه

با توجه به این‌که در اکثر جوامع و نظام‌های سیاسی گروه وسیعی از مردم مخاطب برنامه‌های آموزشی و تربیتی نظام تربیت رسمی و عمومی آن جوامع هستند. نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی کشورها می‌تواند به عنوان مهم‌ترین عامل جامعه‌پذیری و فرهنگ‌سازی، در

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۸/۲۱

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۷/۲۹

۱. استادیار گروه آموزش علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان تهران، ایران (نویسنده مسئول) (hadikarimi@cfu.ac.ir).

۲. استادیار گروه آموزش معارف دانشگاه فرهنگیان تهران، ایران (Mm.dehghaniashk@cfu.ac.ir).

انتقال ارزش‌ها و هدایت فکری نسل نو عمل کنند (مرزوقی، ۱۳۸۷ ش: ۱۲۸). از نگاه بسیاری از جامعه‌شناسان، نظام آموزش و پرورش یکی از مهم‌ترین نهادهایی است که توانایی تربیت انسان‌های ایده‌آل در تمام ابعاد اعتقادی، اخلاقی و جسمانی، براساس وضع مطلوب مورد نظر برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران فرهنگی کشورها را دارد (شارع‌پور، ۱۳۹۸ ش: ۲۷). وجود چنین کارکردهایی در نظام‌های آموزشی کشورها سبب شد تا متخصصان کشورهای مختلف با استفاده از سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی تربیتی مناسب از ظرفیت نظام تربیت رسمی عمومی در راستای شکل‌دهی به فرهنگ عمومی و سبک زندگی افراد جامعه استفاده کنند. البته یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده برای تحقق این مهم تدوین و تصویب مبانی فلسفی متناسب با مبانی حکمرانی و سیاسی حاکم بر آن جوامع می‌باشد. امری که با توجه به نقد مقام معظم رهبری و بسیاری از متخصصان تربیت اسلامی بر نظام آموزش و پرورش کشور و لزوم توجه به تحول و طراحی مجدد در مبانی فلسفی آن (شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۰ ش: ۸)، زمینه تلاش گسترده‌ای را فراهم آورد که در نهایت به تهیه و تصویب سندی با عنوان «مبانی نظری سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران» انجامید؛ سند مذکور شامل سه قسمت تربیت رسمی در جمهوری اسلامی ایران، تربیت رسمی عمومی در جمهوری اسلامی ایران و رهنامه تربیت رسمی عمومی در جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. در قسمت مربوط به هدف‌گذاری سند مذکور که تحت عنوان چرایی تربیت در فلسفه تربیت رسمی عمومی در جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته است، مدرسه صالح را به عنوان بستری برای تحقق اهداف تربیت رسمی عمومی در نظر گرفته شده و برای آن ویژگی‌هایی در نظر گرفته شده است که در بخش‌های بعد به آن می‌پردازیم (شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی آموزش و پرورش ۱۳۹۰ ش: ۲۸۸-۲۹۸). علاوه بر این در قسمت رهنامه سند مذکور که به عنوان راهنمای عمل برای نظام آموزش و پرورش کشور در نظر گرفته شده و سعی شده متناسب با مبانی مستحکم و منسجم فلسفی مطرح در قسمت فلسفه تربیت و فلسفه تربیت رسمی عمومی و یافته‌های جدید دانش علوم تربیتی، برنامه‌ها و دستورالعمل عملیاتی برای نظام آموزشی کشور در نظر گرفته شود نیز به مؤلفه مدرسه صالح و وظایف و مسئولیت‌های آن پرداخته شده است (همان: ۳۵۷-۳۶۱). با توجه به نقش مدرسه به عنوان بستری که فضای مناسب برای تعامل اکثر مخاطبان نظام تربیت رسمی عمومی که شامل دانش‌آموزان و والدین آنها و معلمان را فراهم می‌کند و از این طریق می‌تواند به شکل‌دهی به فرهنگ عامه مردم و انتقال مباحث اخلاقی و اعتقادی به

نسل نوجوان و جوان کشور که معمولاً در سن بلوغ و تکلیف شرعی هستند و نیاز به آشنایی با معارف دین مبین اسلام دارند و در نظر گرفتن این مهم که موضوع مهدویت و شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان یکی از مهم‌ترین مباحث مربوط به مباحث معارف اسلامی که جایگاه و کارکردهای اعتقادی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بسیاری در شکل‌گیری حیات طیبه براساس نگاه تمدن‌گرایانه به اسلام و حکومت دینی دارد، در پژوهش حاضر به بررسی و تحلیل میزان توجه به مؤلفه‌های تربیت مهدوی در قسمت‌های مربوط به مؤلفه مدرسه صالح که که مستقیماً با اهداف مطرح در سند تحول ارتباط دارند می‌پردازیم.

مدرسه صالح

مدرسه که از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی، تربیتی، آموزشی و اصلی‌ترین رکن تعلیم و تربیت محسوب می‌شود، مکانی است که به منظور تربیت صحیح دانش‌آموزان در ابعاد دینی، اخلاقی، علمی، آموزشی، اجتماعی و کشف استعدادها و هدایت رشد متوازن روحی و معنوی و جسمانی آنان براساس اهداف مصوب دوره‌های مختلف تحصیلی، برابر ضوابط و دستورالعمل‌های وزارت آموزش و پرورش تأسیس و اداره می‌شود.

با توجه به این‌که در مبانی نظری سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش کشور بر تحقق‌شان جمعی و بعد اجتماعی حیات طیبه در بستر جامعه صالح تأکید شده است. به همین منوال و متناسب با آن تعبیر «مدرسه صالح» به عنوان جلوه جامعه صالح برای مدرسه مطلوب به مثابه کانون تحقق حیات طیبه انتخاب گردیده است. در سند مذکور مدرسه صالح محیط اجتماعی سازمان‌یافته‌ای است که برای کسب مجموعه‌ای از شایستگی‌های لازم در سه بُعد فردی، خانوادگی و اجتماعی متربیان را برای وصول به مرتبه‌ای از حیات طیبه در تمامی ابعاد آن آماده می‌کند و برای آن ۷ ویژگی که شامل؛ ساده‌سازی، پالایش، متناسب‌سازی، تعادل، انعطاف‌پذیری، احسان و عدالت و مشارکت و تعاون است مطرح شده است (همان: ۲۹۰).

ویژگی ساده‌سازی به این مهم توجه دارد که فعالیت‌ها و تجارب تربیتی طراحی شده در مدرسه باید شکل ساده شده از تجربیات مطرح در الگوی حیات طیبه و ناظر به چالش‌ها و مسائل واقعی زندگی متربیان باشد. براساس ویژگی پالایش محیط مدرسه باید تا حد امکان از مخاطرات تربیتی مصون باشد اما به این مهم توجه داشته باشد که این امر مدرسه را به محیط قرنطینه‌ای نسبت به آنچه در پیرامون آن اتفاق می‌افتد تبدیل نکند. در ویژگی متناسب‌سازی

بر متناسب بودن تجربیات مدرسه بر تمام ابعاد رشدی متربیان تأکید دارد؛ به طوری که نه تنها محتوای در نظر گرفته شده برای دانش آموزان متناسب با توانایی های ذهنی آنها باشد بلکه فضای فیزیکی و امکانات و تجهیزات مدارس نیز متناسب با ویژگی های دانش آموزان با نیازهای ویژه مانند افراد معلول طراحی شود. ویژگی تعادل، ضمن تأکید بر توجه متوازن به ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری مخاطبان انتظار دارد تا متربیان در برنامه های تربیتی مدرسه با رویکردی متعادل در ساحت های شش گانه تربیتی؛ ساحت اعتقادی، عبادی، اخلاقی، ساحت اجتماعی و سیاسی، ساحت اقتصادی و حرفه ای، ساحت زیباشناسی و هنری، ساحت زیستی و بدنی و ساحت علمی و فناوری مواجهه شوند. براساس ویژگی انعطاف پذیری انتظار می رود که مدرسه در طراحی برنامه های تربیتی خود ضمن توجه به تفاوت های فردی و فرهنگی متربیان در مواجهه با امکانات و فرصت های جدید مانند فضای مجازی و تکنولوژی جدید آموزشی انعطاف کافی را داشته باشد. سند مذکور در راستای شکل گیری فضای اخلاقی درون مدارس به رابطه احسان و عدالت بین مربیان و متربیان تأکید دارد و بر این باور است که تجربه چنین موقعیتی می تواند به رشد باورهای دینی و اخلاقی در دانش آموزان کمک کند و در نهایت به ویژگی مشارکت و تعاون اشاره دارد که براساس آن انتظار دارد که این مشارکت هم درون مدرسه و از طریق همکاری معلمان، کادر اجرایی، دانش آموزان و والدین آنها ایجاد شود و هم از طریق همکاری نهادهای اجتماعی جامعه مانند شهرداری ها و... با مدرسه تقویت شود (همان: ۲۸۹-۲۹۷). در مجموع می توان مدرسه صالح را مدرسه فضای اجتماعی هدفمندی دانست که از طریق زنجیره ای از موقعیت ها فرصت حرکت رشد یابنده و تعالی بخش را برای متربیان فراهم می کند که براساس آن، شایستگی های لازم برای درک و بهبود موقعیت خود و دیگران از طریق یادگیری های رسمی و غیررسمی را فراهم می آورد (همان: ۲۸۸). با توجه به این که ترویج و نشر اعتقاد به مهدویت و عینیت بخشیدن به فرهنگ انتظار یکی از شاخصه های مهم دولت در جمهوری اسلامی ایران به شمار می رود. انتظار می رود دولت احساس مسئولیت کرده و در راستای ترویج و تبلیغ اندیشه مهدویت در جامعه تلاش های جدی و برنامه ریزی مناسبی داشته باشد (کارگر، ۱۳۹۹ش: ۵۱-۵۲).

تربیت مهدوی

مهدویت به یکی از عقاید اصول مذهب شیعه اثنی عشری گفته می شود و به معنای اعتقاد و باور به ظهور مهدی علیه السلام، پسر امام حسن عسکری علیه السلام و دوازدهمین جانشین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله

می‌باشد (نجم، ۱۳۹۶ ش: ۲۲). اعتقاد به ظهور منجی در همه ادیان و مذاهب و فرقه‌ها وجود دارد؛ این عقیده، بنابر آیات قرآن و روایات، یک عقیده اسلامی است که نه تنها در نزد شیعیان بلکه در منابع معتبر اهل سنت هم احادیث فراوان درباره آن حضرت و غیبت و ظهور ایشان روایت شده و کتاب‌های متعدد درباره حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف نوشته‌اند. عقیده به مهدویت، برای مسلمانان و محرومان و مستضعفان جهان، مایه امید به آینده درخشان است و برای قدرت‌های ظالم و مستکبر، مایه وحشت و نگرانی است؛ زیرا عصر ظهور، عدالت همه جا را فرا خواهد گرفت و قدرت‌های ستمگر نابود خواهند شد و رفاه و آسایش و امنیت و ایمان در همه جا حاکم خواهد بود. همراه با این اعتقاد، انتظار و زمینه‌سازی ظهور که بر مقدمه‌چینی و آمادگی برای ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف تأکید دارد (آیتی، ۱۳۹۰ ش: ۲۳)، مطرح است؛ امری که از آن با عنوان «انتظار فرج» یاد می‌شود و پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله آن را بهترین اعمال امت خود می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۵۲، ۱۲۲). هرچند از این عقیده اسلامی در طول تاریخ سوءاستفاده‌های فراوان شده و کسانی به دروغ، مدعی شده‌اند که همان «مهدی موعود» هستند یا با او ارتباط دارند و به فریب مردم پرداخته‌اند (محدثی، ۱۳۸۹ ش: ۲۲۶).

جامعه جهانی در سیر حرکت تکاملی خود به سوی جامعه مهدوی و تحقق وعده الهی حرکت می‌کند. محقق شدن این وعده، زمینه و بستری می‌طلبد که باید متناسب با شرایط و مقتضیات فرهنگی و ارزش‌های دینی و توحیدی جامعه مهدوی آماده گردد. اگر شرایط تحقق پدیده‌ای در جامعه‌ای وجود داشته باشد، زمینه‌سازان باید به تقویت و توسعه آنها بپردازند؛ اما اگر جامعه‌ای از آن شرایط خالی بود، زمینه‌سازان باید به تغییر و تحول وضعیت موجود دست زنند تا زمینه تحقق آن آرمان یا نهضت را فراهم سازند (موسوی، ۱۳۸۸ ش: ۱۷۲). با توجه به این که یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و مدیران حکومت آن حضرت، از بین همین منتظران و زمینه‌سازان ظهور برگزیده خواهند شد. از این رو شایسته است به کادرسازی و تربیت منتظران کارآمد و مسئول به عنوان یکی از محوری‌ترین عوامل زمینه‌سازی ظهور توجه کرد. امری که لازمه محقق شدن آن تربیت نیروی نوجوان و جوان جامعه می‌باشد؛ کسانی که ضمن داشتن بینش کافی نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف گرایش قلبی به حضرت داشته باشند و تمام تلاش آنها در عرصه‌های فردی و اجتماعی در جهت رضایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و مهیا کردن شرایط ظهور ایشان باشد. با توجه به جایگاه نظام آموزش رسمی عمومی در جامعه‌پذیری و فرهنگ‌سازی (مرزوقی، ۱۳۸۷ ش: ۱۲۸). و نقش مدرسه به عنوان مهم‌ترین عامل مؤثر برای تحقق اهداف در نظر گرفته شده برای نظام آموزشی کشور در پژوهش حاضر به منظور

مشخص ساختن میزان توجه اسناد بالادستی به نقش مدارس نظام آموزشی کشور به ترویج و گسترش فرهنگ مهدویت در سطوح شناختی، عاطفی، رفتاری و کنشی به تحلیل محتوای مربوط به مدرسه صالح مطرح در مبانی نظری سند تحول بنیادین نظام تربیت رسمی عمومی کشور که به عنوان نقشه راه نظام آموزش و پرورش کشور مطرح است پرداختیم. در ادامه به تبیین ویژگی‌های مدرسه صالح مطرح شده در سند مذکور می‌پردازیم.

مؤلفه‌های تربیت مهدوی

قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریع نیاز به انصار و یارانی دارد که دارای بالاترین سجایای تربیتی و اخلاقی هستند؛ امری که اهمیت تربیت نسل منتظر و باورمند به مفاهیم عمیق مهدوی را نشان می‌دهد. قطعاً برای تحقق چنین رویدادی که وعده خداوند متعال است، علاوه بر تلاش خانواده‌ها نیازمند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی عمیق و دقیق تربیتی از طرف نهاد تربیت رسمی عمومی در جامعه تربیتی هستیم. نهاد تربیت رسمی عمومی کشور می‌تواند براساس آموزه‌های اسلامی و سیره نبی اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام که نمونه بارز و کامل الگوی بشری هستند برای تربیت افراد جامعه بر پایه اصول مهدوی برنامه‌ریزی کنند (تمیزکار، ۱۳۹۵ش: ۱۴). با توجه به این که در فرآیند شکل‌گیری هویت دینی در افراد دستگاه اندیشه و خرد به کمک عقل به ایجاد بینش عمیق در انسان کمک می‌کند و معمولاً براساس آن بینش، قلب انسان تسلیم و علاقه‌مند می‌شود و گرایش به موضوعی در انسان ایجاد می‌شود که از آن به ایمان تعبیر می‌شود. در نهایت براساس آن گرایش رفتاری خاص از انسان سر می‌زند (اعتصامی و راصد، ۱۳۹۰ش: ۷-۱۰). در پژوهش حاضر ابتدا خصوصیات و شاخص‌های تربیتی انتظار در آموزه‌های اسلامی در چهار محور: شناختی، عاطفی، رفتاری و کنشی طبقه‌بندی شد. در ادامه به تحلیل محتوای ویژگی‌های مدرسه صالح مطرح در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش کشور با توجه مؤلفه‌های مورد نظر می‌پردازیم.

الف) محور شناختی

این محور، به معرفت و آگاهی نسبت به موعود عادل و شرایط حکمرانی در دوران حکومت ایشان اشاره دارد و انتظار می‌رود در پرتو این معرفت و شناخت، بینشی امیدوارانه نسبت به جامعه آینده در مخاطب ایجاد شود. اهمیت این محور به میزانی است که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در این مورد فرمودند:

کسی که امام زمانش را شناسد مرگ جاهلی دانسته است (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۸،

در روایت دیگری امام محمد باقر علیه السلام ضمن تأکید بر مرگ جاهلی کسی که امام زمان خود را شناسد شناخت امام زمان در هنگام مرگ را همچون حضور و همراهی منتظر در خیمه گاه حضرت می دانند (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۷۱).

بینش امیدوارانه از ویژگی های فطری انسان می باشد که می تواند زمینه سعادت او را فراهم کند. امید، امری خردمندانه است و محرک ایجاد انگیزه و عمل در افراد می شود؛ به عبارت دیگر در شرایطی که در یک مبحث اجتماعی امید افزایش یابد، اهداف اجتماعی با آرمان های بشری هم جهت می گردد و بشر برای رسیدن به آن امید و آرمان اجتماعی کنشگر فعال تری خواهد بود و در سختی ها و مشکلات مقاومت بهتری از خود نشان می دهد. از جمله موارد، امیدبخش برای بشر تحقق ظهور و تشکیل حکومت عدل و رحمت حضرت ولی عصر علیه السلام می باشد. با این توضیح، عقیده به مهدویت و به کار بستن راهکارها، توصیه ها و آموزه های مهدوی، موجب ارتباطی آگاهانه، امیدوارانه، پویا و فعال و کامل با خدا، خود، انسان های دیگر و طبیعت و به عبارتی کل هستی می شود. بر این اساس، شاخص های تربیتی این محور که برای سنجش آثار تربیتی عقیده به مهدویت در نظر گرفته می شود، عبارتند از:

- تقویت و استحکام اعتقاد عملی به توحید، عدل و شناخت امام زمان علیه السلام و اقدامات ایشان؛

- بینش صحیح درباره انسان و سبک زندگی اسلامی.

- داشتن تفکر مثبت، خلاقانه و امیدوارانه در مواجهه با مشکلات و سختی های دوران غیبت؛

- شناخت امام زنده و حاضر، اعتقاد و امید به هدایت و تربیت و یاری ایشان در زمینه های مختلف علمی و معنوی زندگی؛

- شناخت مصالح و فواید غیبت در تربیت افراد؛

- امیدواری ذهنی و تفکر مثبت درباره آینده و تحقق حکومت عدل جهانی و مدینه فاضله؛

- تفکر و نظم بخشی به اهداف مربوط به رسیدن به مرتبه عالی انسانیت و کسب رضایت

حضرت (نجم، ۱۳۹۶ش: ۲۳).

ب) محور عاطفی

در این محور به عوامل موثر بر افزایش میزان محبت و گرایش افراد به مولا و مربی کامل

زمان؛ حضرت مهدی علیه السلام و آثار پدید آمده از این محبت و عاطفه توجه می‌شود. از جمله آثار انتظار و صبر، عشق و محبت به آن شخصی است که مورد انتظار قرار گرفته است. هرچه این محبت شدیدتر باشد، انسان منتظر کمتر از یاد و خواسته‌های محبوب خود غافل می‌گردد؛ بنابراین هر چه در دوران غیبت، محبت خداوند و ولی ایشان، حضرت مهدی علیه السلام در قلب و دل منتظران بیشتر باشد، کمتر دچار غفلت می‌شوند. با محبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است که زمینه‌های اطاعت از او فراهم می‌شود و با اطاعت ایشان مسیر کمال و قرب الهی هموار می‌شود. اهمیت محبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به حدی هست که امام رضا علیه السلام بنا به فرموده جد بزرگوارشان امام علی علیه السلام، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را به عنوان نشانه تقوا و چراغ هدایت معرفی می‌کند. محبت ایشان را زمینه‌ساز ملاقات خداوند و تضمین‌کننده بهشت برای محبین حضرت می‌دانند (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۳۶، ۲۹۶).

هرچند در فرایند انتظار، شور و طلب محبت متعلق به حضرت مهدی علیه السلام است؛ اما نکته قابل تأمل این است که این گرایش و محبت به حضرت، بدون امید و تزکیه نفس معنا پیدا نمی‌کند. در اصل، محبت و شوق واقعی به حضرت با کسب ویژگی‌ها و صفات منتظران حقیقی و انجام وظایف و تکالیف معنی پیدا می‌کند؛ این موضوع یک رابطه دو طرفه است به این صورت که محبت، شور و اطاعت می‌آورد و اطاعت، عشق و محبت را زیاد می‌کند و این امر نشان می‌دهد که در بُعد عاطفی نیز آثار انتظار، معطوف به تربیت، اصلاح و تکامل و تعادل اخلاقی، از طریق دوری از رذائل و کسب فضائل است. بدین ترتیب، شاخص‌های تربیتی این محور، به این شرح در نظر گرفته می‌شود:

- احساس حضور مولا و مربی، و مراقبت دائمی و همیشگی بر اعمال و رفتار به جهت نظارت دائمی ایشان؛

- داشتن شور و نشاط و سرزندگی به واسطه این اعتقاد و دوری از افسردگی و ناامیدی؛

- اطاعت از فرمان‌های حضرت به دلیل محبت حقیقی به ایشان؛

- ایثار، به دلیل عشق و علاقه به مولا و اهداف ایشان؛

- وحدت و اتحاد مردم برای یاری دادن حضرت، به دلیل علاقه به ایشان و اهداف عالی آن

حضرت؛

- توجه و غلقه به مکان‌های منتسب به حضرت و ادعیه منتسب به ایشان؛

- انجام دادن مستحبات و هدیه دادن ثواب اعمال، مثل صدقه و حج از طرف ایشان (نجم،

۱۳۹۶ش: ۲۶).

ج) محور رفتاری

بینش منسجم و قوی متریان نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف زمینه ساز محبت و گرایش به حضرت در آنها خواهد شد که این امر در نهایت آنها را به کنشگر اجتماعی تبدیل خواهد کرد. زیرا مؤلفه انتظار و ویژگی عدل برانگیز آن به گونه ای است که انسان را به حرکت در مسیر متناسب با اهداف و عقاید صحیح برمی انگیزد و از گرایش به جهت های نامتناسب و ناسازگار باز می دارد. زیرا بنا به فرموده امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اعمال زشت و گناهان پیروان ایشان است که ظهور ایشان را به تأخیر می اندازد (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۵۳، ۱۷۷).

هرکس دوست دارد از یاران حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد باید که منتظر باشد و در این حال به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار نماید. پس چنانچه بمیرد و پس از مردنش، قائم به پاخیزد، پاداش او همچون پاداش کسی است که آن حضرت را درک کرده است.

کارکرد مهم بینش و گرایش به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف انجام کنش های زمینه ساز ظهور حضرت می باشد؛ زیرا منتظران با معرفت، با باور به نظارت و مراقبت خداوند متعال و حضرت، برای پاکی درون و تهذیب نفس و ایجاد آمادگی روحی، در جهت منتظر واقعی و از یاران امام بودن عمل خواهند کرد. خودشناسی، خودسازی و اخلاق مداری در کنش ها و تعاملات بین فردی و میان فردی برای کسانی است که به امام عادل و جامعه ایده آل می اندیشند ضروری به نظر می رسد؛ زیرا منتظر در فرهنگ مهدوی با قطعی و نزدیک دانستن ظهور، هر لحظه احتمال ظهور موعود عادل خود را می دهد. از این رو همواره با دوری از گناه و هوای نفس و رعایت احکام و دستورات دین و کسب فضائل اخلاقی در راستای حفظ آمادگی خود می کوشد.

منتظر واقعی علاوه بر توجه به تهذیب نفس و خودسازی، برای احیای رابطه خود با خلق بر مبنای اقامه عدل نیز تلاش می کند؛ چرا که انتظار، تعهد ها و مسئولیت های دینی و اخلاقی منتظر را در قبال خود و انسان های دیگر قوت می بخشد و همواره به خودسازی و جامعه سازی می اندیشد و برای آن تلاش می کند. بدین ترتیب، آثار تربیتی انتظار در محور رفتاری، در دو بُعد فردی و اجتماعی طرح می شود و شاخص های آن بدین شکل سامان می یابد:

- تلاش برای مهذب شدن و کسب فضائل اخلاقی؛

- تلاش عملی برای منتظر واقعی و یار حضرت بودن در زمان ظهور؛

- عادل بودن در عمل به تکلیف و برخورد با دیگران؛

- ارتباط معنوی با حضرت و احساس حضور دائم ایشان از طریق تقویت جنبه عبادی

دینداری؛

- امر به معروف و نهی از منکر برای اصلاح جامعه؛
- در برابر امتحانات و دشواری‌های عصر غیبت خستگی ناپذیر بودن و دلداری دادن به دیگر شیعیان؛
- برنامه‌ریزی و تلاش در راستای رسیدن به مقام منتظر حقیقی (نجم، ۱۳۹۶ ش: ۲۸).

د) محور کنشی

این محور که می‌توان از آن با عنوان «انتظار، قیام و اصلاح» یاد کرد. به میزان ایستادگی و پایداری در برابر ستم و سازش نکردن با ستمکاران و قیام به موقع برای اصلاح جامعه ارتباط دارد. شیعه همواره با امید پیروزی حق بر باطل، با صبر و عدالت‌خواهی، خود را در برابر حکمرانی باطل مسئول می‌داند و آماده اصلاح و تغییر شرایط می‌باشد.

در دیدگاه امامان شیعه انتظار فرج به معنای خودسپاری به قضا و قدر نیست؛ بلکه منظور از انتظار، تلاش و آمادگی برای همراهی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه می‌باشد؛ به طوری که امام صادق علیه السلام از شیعیان می‌خواهد خود را برای قیام آماده کنند حتی با یک تیر (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۵۲، ۱۴۶). بر این اساس، انتظار، شیعیان را برای ایجاد حکومتی عادلانه آرمان‌گرا کرده است. این آرمان‌گرایی، روحیه‌ای انقلابی به شیعه بخشیده؛ به گونه‌ای که در طول تاریخ غیبت، پرچمداری انقلاب‌ها را همواره شیعیان بر عهده گرفته‌اند؛ شیعیان با صبر و تحمل در برابر دشواری‌های راه و داشتن روحیه عدالت‌خواهی، با پیروی از رهبران شیعی و حفظ وحدت و همدلی، با حضور در صحنه‌های پیکار نظری و عملی و با همکاری انسان‌های خداجو و عدالت‌خواه، آماده قیام شده و به قیام‌های زمینه‌ساز انقلاب جهانی اقدام کرده‌اند.

در اهمیت و آثار انتظار شیعیان، همین بس که دشمنان در جلسات خود آن را مانع تسلط بر مسلمانان می‌شمارند؛ چنان‌که در کنفرانس تل‌آویو، مایکل امجی گفته است: شیعیان با نام امام حسین علیه السلام قیام می‌کنند و با اسم امام مهدی علیه السلام قیام‌شان را حفظ می‌کنند. در این محور نیز شاخص‌هایی برای سنجش آثار تربیتی عقیده به مهدویت در دوره‌های مختلف تعیین شده است که عبارتند از:

- داشتن روحیه مسئولیت‌پذیری و تعهد؛
- ایثار و از خودگذشتگی برای استقرار عدالت و حکومت حضرت؛
- ایستادگی در برابر حکومت ظالم و داشتن روحیه شهادت‌طلبی؛
- تلاش برای اصلاح و تحول در جامعه و ایجاد عدالت به منظور زمینه‌سازی برای قیام و

اصلاحات حضرت؛

- داشتن وحدت و اتحاد برای یاری دادن حضرت یا حکومت اسلامی در زمان غیبت، از طریق جنبش‌های مردمی (نجم، ۱۳۹۶ش: ۳۲).

تحول دینداری در مخاطبان مدرسه صالح

زمانی که صحبت از مدرسه در نظام آموزشی کشور می‌شود با مخاطبانی مواجه هستیم که در محدوده سنی ۷ تا ۱۸ سال قرار دارند. در مطالعات مربوط به روان‌شناسی رشد و تحول دینداری زمان حضور دانش‌آموزان در مدرسه به دو دوره کودکی سوم که مربوط به محدوده سنی ۷ تا ۱۲ سالگی و نوجوانی که محدوده سنی ۱۲ تا ۱۸ سالگی را شامل می‌شود اختصاص می‌یابد (نوذری، ۱۴۰۰ش: ۱۱)؛ در بُعد شناختی، رویکردشناختی - ساختاری بر محدودیت‌های فراوان شناختی افراد تا ۱۳ سالگی اشاره دارد (هوز و جکسون، ۱۹۷۸م: ۱۴۵) و رویکردشناختی فرهنگی، کودکان را از بعد از ۴ سالگی مستعد اندیشه‌ورزی در مورد حقایق دینی می‌داند (وولی، ۲۰۰۴م: ۴۵۸). در بُعد عاطفی، رویکرد روانکاوی بر شکل‌گیری فرایند دینداری و خداآوری از سال‌های اول شروع زندگی فرد و تحت تأثیر کیفیت ارتباط کودک با پدر و مادر تأکید دارند (ونسون، ۲۰۰۵م: ۱)، رویکرد دیگری که تحت تأثیر دیدگاه هارمز^۱ شکل گرفته است. بر این موزد تأکید دارد که مراحل تحول دینداری به سه مرحله خیالی، واقع‌گرایانه و فردی تقسیم می‌شود؛ و دوران حضور دانش‌آموزان در مدرسه مربوط به مراحل واقع‌گرایانه و فردی می‌باشد (نوذری، ۱۴۰۰، ۱۹۰).

بر مبنای رویکرد اسلامی در تحول دینداری در محدوده سنی ۷ تا ۱۲ سال، در اکثر دانش‌آموزان که معمولاً در مدارس دوره ابتدایی مشغول به تحصیل هستند. نیروهای فطری توانایی کودک را به فرا رفتن از شناخت جهان طبیعی و اجتماعی سوق می‌دهد و به تدریج از حقیقتی غیر مادی، یعنی خدا و به عنوان هستی برتر و ارزشمندتر آگاه می‌سازد و تمایل به ارتباط و فرمانبرداری از خداوند را در کودک ظاهر می‌سازد. در سطح عاطفی نیز به علت ظهور توانایی‌های تازه و ظهور احساسات بین فردی رشد یافته شاهد احساسات دینی رشد یافته نزد کودکان هستیم (نوذری، ۱۴۰۰، ۲۸۵-۲۸۳). در محدوده سنی ۱۲ تا ۱۸ اکثر دانش‌آموزان در مدارس متوسطه اول و دوم و هنرستان‌ها مشغول به تحصیل هستند. با در نظر گرفتن تعامل نیروهای فطری، توانایی‌های عقل و ورزشی و عوامل اجتماعی نوجوانان در این دوره سنی به ساخت

1. Harmd, E

تصویری ذهنی از خداوند به عنوان موجودی مجرد و روحانی می‌رسند، التزام دینی در این مرحله از الگوی التزام مرحله ۷ تا ۱۲ سالگی بود که ناهشیار و غیر عمدی بود به الگوی التزام عقلی و قلبی می‌رسد و در بعد احساس دینی و عاطفی شاهد احساسات جدیدی مانند شکرگزاری و شرمندگی هستیم که در دوران قبل یافت نمی‌شد. علاوه بر این شدت ابراز احساسات دینی در این دوره نسبت به دوره‌های قبل شدید تر می‌باشد (نوذری، ۱۴۰۰، ۲۳۱). با توجه به آنچه در خصوص مراحل دینداری با رویکرد دینی و حتی رویکرد روانشناختی مطرح شد دوران حضور دانش آموزان در مدرسه در قالب تربیت رسمی عمومی فرصت مناسبی است تا با توجه به توانایی‌ها و قابلیت‌های فطری کودکان و نوجوانان در زمینه تربیت دینی و بخصوص تربیت مهدوی در محورهای مختلف شناختی، عاطفی، رفتاری و کنشی سیاستگذاری و برنامه ریزی صحیح صورت گیرد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی و روش مورد استفاده تحلیل محتوای کیفی با رویکرد تلخیصی می‌باشد. تحلیل محتوای کیفی با رویکرد تلخیصی نوعی تحلیل محتوا است که ضمن شناسایی و کمی کردن کلمات یا مضامین مورد نظر در متن، بر کشف معانی اصلی و یا مضامین آن تاکید دارد (کریمی عقدا و قادری مقدم، ۱۳۹۶، ۷۲). مقوله بندی و تعیین شاخص در این پژوهش با استفاده از روش جعبه‌ای انجام گرفته است. همچنین واحد ثبت در پژوهش مضمون و روش شمارش نیز فراوانی بوده است

ابزار اندازه‌گیری

ابتدا فهرست واری‌های تحلیل محتوای محقق ساخته با توجه به شرایط و بستر ظهور که در آموزه‌های اسلامی آمده و همچنین با توجه به پژوهش انجام شده توسط آقای نصرت‌الله آیتی (آیتی، ۱۳۹۳، ۵۴-۴۳)، خانم نجمه نجم با عنوان «آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت» در قالب چهار محور شناختی، عاطفی، رفتاری و کنشی تهیه شد. در ادامه به تحلیل محتوای بخش‌های مربوط به مدرسه صالح در سند تحول بنیادی نظام تعلیم و تربیت کشور در دو قسمت تربیت رسمی و عمومی و رهنامه پرداختیم.

یافته‌های پژوهش

نتایج تحلیل محتوای مباحث مربوط به مؤلفه «مدرسه صالح» در مبانی نظری سند تحول

بنیادین را یا دو جهت‌گیری می‌توان مورد بررسی قرار داد؛ در نگاه اول مطابق داده‌های جدول (شماره ۱) سعی شده است هریک مقوله‌های چهارگانه شناختی، عاطفی، رفتاری و کنشی را مؤلفه‌های مربوط به ویژگی‌های مدرسه صالح مورد بررسی قرار دهیم.

جدول شماره (۱): تحلیل محتوای مؤلفه‌های مدرسه صالح

مؤلفه مقوله	تعریف	ساده‌سازی	پالایش	متناسب‌سازی	تعداد	انعطاف‌پذیری	احسان و عدالت	مشارکت و تعاون	رهنامه	فراوانی	درصد
شناختی	۱۲	۴	۱۰	۳	۳۸	۱۰	۲۳	۱۵	۳۶	۱۵۱	۲۹
عاطفی	۴	۲	۱۴	۳	۱۴	۸	۲۱	۲۲	۲۶	۱۱۴	۲۲
رفتاری	۴	۲	۱۳	۳	۲۲	۱۱	۱۹	۲۴	۳۴	۱۳۲	۲۵
کنشی	۳	۴	۱۷	۳	۲۰	۱۱	۱۴	۲۲	۳۰	۱۲۴	۲۴
کل مؤلفه‌ها	۲۳	۱۲	۵۴	۱۲	۹۴	۴۰	۷۷	۸۳	۱۲۶	۵۲۱	۱۰۰

نتایج پژوهش براساس یافته‌های جدول شماره (۱) نشان می‌دهد که در بخش تعریف مدرسه صالح براساس ماهیت مؤلفه که بیشتر به توضیح در مورد ماهیت مدرسه صالح و علل نام‌گذاری آن می‌پردازد بیشترین پوشش برای مقوله شناختی می‌باشد. علاوه بر بخش مربوط به تعریف مدرسه صالح در مورد تحلیل محتوای بخش‌هایی که به ویژگی‌های مدرسه صالح می‌پردازد در اکثر ویژگی‌ها بیشترین تأکید و توجه به مقوله شناختی می‌باشد و تنها در مؤلفه مشارکت و تعاون تأکید بیشتر بر مقوله رفتاری شده است. در مؤلفه پالایش نیز تأکید بیشتر بر مقوله کنشی مشاهده می‌شود. در مورد قسمت رهنامه نیز با توجه به این که در این بخش از سند سعی شده است مدلی برای عملیاتی شدن آنچه در مبانی نظری سند آمده است ارائه شود و بر این اساس انتظار می‌رفت بُعد کنشی و جنبشی بیشتر مورد تأکید قرار گیرد در این بخش نیز بُعد شناختی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

در نگاه دیگر به بررسی نتایج تحلیل محتوای مباحث مربوط به مؤلفه «مدرسه صالح» در مبانی نظری سند تحول بنیادین براساس تحلیل مقوله‌های چهارگانه با توجه به مؤلفه‌های مربوط به آن‌ها با توجه به آنچه در جدول شماره (۲) ارائه شده است پرداختیم.

جدول شماره (۲): تحلیل محتوای مقوله‌های تحلیل محتوای مطرح در ویژگی‌های مدرسه صالح

مقوله	مولفه	فراوانی	مجموع فراوانی	در صد مجموع فراوانی
شناختی	تقویت اعتقاد عملی به توحید، عدل و شناخت امام زمان علیه السلام و اقدامات ایشان	۳۲	۱۵۱	۲۹
	بینش صحیح درباره انسان و سبک زندگی اسلامی	۳۵		
	داشتن تفکر مثبت و خلاقانه در مواجهه با مشکلات و سختی‌های دوران غیبت	۱۵		
	شناخت امام حاضر، اعتقاد به هدایت، تربیت و یاری ایشان در زمینه‌های مختلف زندگی	۲۰		
	شناخت مصالح و فواید غیبت در تربیت افراد	۱۴		
	امیدواری ذهنی و تفکر مثبت درباره آینده و تحقق حکومت عدل جهانی	۲۰		
	تفکر و نظم‌بخشی به اهداف مربوط به دستیابی به مرتبه عالی انسانیت و رضایت حضرت	۱۸		
عاطفی	احساس حضور مولا و مراقبت دائمی بر اعمال و رفتار به جهت نظارت دائمی ایشان	۱۲	۱۱۴	۲۲
	داشتن شور و نشاط و سرزندگی به واسطه این اعتقاد و دوری از افسردگی و ناامیدی	۲۶		
	اطاعت از فرمان‌های حضرت به دلیل محبت حقیقی به ایشان	۱۷		
	ایثار، به دلیل عشق و علاقه به مولا و اهداف ایشان	۱۸		
	وحدت مردم برای یاری دادن به حضرت، به دلیل علاقه به اهداف عالی ایشان	۲۰		
	توجه و غلقه به مکان‌های منتسب به حضرت و ادعیه منتسب به ایشان	۱۲		
	انجام دادن مستحبات و هدیه دادن ثواب اعمال، مثل صدقه و حج از طرف ایشان	۹		
رفتاری	تلاش برای مهذب شدن و کسب فضائل اخلاقی	۳۴	۱۳۲	۲۵
	تلاش عملی برای منتظر واقعی و یار حضرت بودن در زمان ظهور	۱۳		
	عادل بودن در عمل به تکلیف و برخورد با دیگران	۲۱		
	تقویت بُعد عبادی دینداری در راستای ارتباط معنوی و احساس حضور دائم ایشان	۳۲		
	امر به معروف و نهی از منکر برای اصلاح جامعه	۱۲		
	در برابر امتحانات عصر غیبت خستگی ناپذیر بودن و دل‌داری دادن به دیگران	۸		
	برنامه‌ریزی و تلاش در راستای رسیدن به مقام منتظر حقیقی	۱۲		
کنشی	داشتن روحیه مسئولیت‌پذیری و تعهد	۴۲	۱۲۴	۲۴
	ایثار و از خودگذشتگی برای استقرار عدالت و حکومت حضرت	۳۱		
	ایستادگی در برابر حکومت ظالم و داشتن روحیه شهادت‌طلبی	۳۱		

مقوله	مؤلفه	فراوانی	مجموع فراوانی	در صد مجموع فراوانی
	تلاش برای اصلاح جامعه در جهت زمینه‌سازی برای قیام و اصلاحات حضرت	۱۳		
	اتحاد برای یاری حضرت یا حکومت اسلامی در زمان غیبت، از طریق جنبش‌های مردمی	۷		

در جدول شماره (۲) سعی شده است میزان فراوانی مؤلفه‌های مطرح در هر یک از مقوله‌های چهارگانه به همراه فراوانی هر مقوله و درصد آن نشان داده شود. هرچند براساس مدل تثبیت فرایند تربیتی بر مبنای شکل‌گیری رفتار با ثبات در مخاطبان، انتظار می‌رود بعد از ایجاد بینش در مخاطبان گرایش در آنها ایجاد شود و براساس گرایش ایجاد شده ما شاهد رفتار با ثبات در مخاطبان باشیم. اما براساس آنچه در فرایند تحول دینداری آمد و همچنین تجربه زیسته پژوهشگر که سال‌ها مربی تربیتی مدارس بوده است در برخی از شرایط مانند دوران نوجوانی و حتی دوران ابتدایی که هنوز توانایی عقلانی به منظور کسب بینش در مورد بسیاری از مفاهیم انتزاعی در دانش‌آموزان شکل نگرفته است توجه به ابعاد عاطفی و حتی رفتاری و کنشی می‌تواند زمینه دینداری و تقویت باورهای دینی مانند موضوع مهدویت را فراهم کند البته در برنامه‌های تربیتی مدارس لازم است به این موضوع توجه داشته باشیم که تغییراتی که در مخاطبان براساس تغییر در ابعاد عاطفی و یا رفتاری شکل می‌گیرد در فرصت مناسب براساس توجه به بعد بینشی تقویت و تثبیت شود. در تحلیل کلی نیز چنان‌چه در قسمت فراوانی و درصد جدول فوق آمده است بیشترین فراوانی مربوط به مقوله شناختی و بعد از آن به ترتیب مربوط به مقوله‌های رفتاری، کنشی و عاطفی می‌باشد. اما اختلاف بین آنها چندان معنادار نیست. توضیحات بیشتر در مورد تحلیل داده‌های جدول در قسمت نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد.

نتیجه‌گیری

با توجه به کارکرد نظام تربیت رسمی عمومی کشور در فرهنگ‌سازی و انتقال ارزش‌ها به افراد جامعه و بخصوص کودکان و نوجوانان و جایگاه مهم و کلیدی مدرسه در نظام تربیت رسمی عمومی، سیاست‌گذاری و برنامه‌های تربیتی در شرایطی می‌تواند تأثیرگذار و عملیاتی باشند که متناسب با فضای تربیتی مدارس تهیه و تدوین شوند امری که در اسناد بالادستی نظام تربیت رسمی عمومی هم به آنها توجه شده است. به طوری که در پژوهش حاضر نیز که مؤلفه‌های تربیت مهدوی در ویژگی‌های مدرسه صالح مورد بررسی قرار گرفت توجه سند مذکور

به مؤلفه‌های تربیت مهدوی در ویژگی‌های هفت‌گانه مدرسه صالح و همچنین قسمت رهنامه سند مذکور مشخص شد. هرچند با توجه به تفاوت ویژگی‌های رشدی، شناختی و تحول دینداری در دانش‌آموزان دوران ابتدایی و متوسطه اول، متوسطه دوم و هنرستان‌ها توجه به تمایز میان مدارس دوران ابتدایی، متوسطه و هنرستان‌ها و ویژگی‌های آنها در قسمت‌های مربوط به ویژگی‌های مدرسه صالح در سند تحول بنیادین ضروری به نظر می‌رسد؛ زیرا در صورتی که این تفکیک در سند مذکور انجام شده بود و سند تحول با توجه به ویژگی‌های رشدی و تحول دینداری در مخاطبان خود در مدارس دوره‌های مختلف تحصیلی ویژگی‌های مدرسه صالح را مطرح می‌کرد و از ارائه ویژگی‌های مدرسه صالح از صورت عام به صورت خاص اشاره می‌کرد تحلیل محتوا دقیق‌تر انجام می‌شد. اما با توجه به سند موجود و تصویب آن توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی به تحلیل محتوای بخش‌های مورد نظر پرداختیم. با توجه به نتایج به دست آمده از تحلیل محتوا مشخص است که به غیر از بُعد شناختی که نسبت به سایر ابعاد بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. توجه یکسان به ابعاد عاطفی، رفتاری و کنشی تربیت مهدوی در سند مذکور شده است. اما آنچه که لازم است مورد توجه قرار گیرد توجه به این مهم است که هرچند با توجه به الگوی منطقی مطرح در تربیت اسلامی که رفتاری را با ثبات می‌داند که از بینش شروع شده و بعد از ایجاد گرایش و حالت عاطفی مطلوب در مخاطب منجر به کنش پایدار در او می‌شود. و در نظر داشتن این مهم که فرایند تفکر انتزاعی در کودکان و نوجوانان که بیشترین مخاطبان تربیت رسمی عمومی هستند هنوز به طور کامل انجام نشده و رشد و تحول دینداری در کودکان و نوجوانان در بعد عاطفی قوی‌تر و تأثیرپذیرتر است. شایسته است که در تمام مؤلفه‌ها و ویژگی‌های مدرسه صالح به جنبه عاطفی اهمیت بیشتری داده شود. البته تقدم حیطه عاطفی به صورت موقتی و زمینه‌ساز فرایند دینداری و تربیت مهدوی در مرتبه است و در نهایت باید سعی شود تا هر آنچه در دانش‌آموزان براساس حیطه عاطفی ایجاد می‌شود نهایتاً با استفاده از مؤلفه‌های شناختی استقرار و استحکام یابد.

منابع

۱. اعتصامی، محمد مهدی؛ راصد، سعید (۱۳۹۰ش)، *مبانی و روش تدریس تعلیم و تربیت دینی در دوره ابتدایی*، تهران: شرکت چاپ و نشر کتب درسی ایران.
۲. آیتی، نصرت‌الله (۱۳۹۰ش)، «زمینه‌سازی؛ چپستی و چرایی»، *فصل‌نامه مشرق موعود*، سال

- ۵، شماره ۱۹.
۳. آیتی، نصرت‌الله (۱۳۹۳ش). «شرایط عصر غیبت و الزامات اخلاقی آن»، فصل‌نامه مشرق موعود، سال ۸، شماره ۳۱.
۴. تمیزکار، علی (۱۳۹۵ش)، تربیت مهدوی فرزند براساس آموزه‌های قرآن و سنت معصومین علیهم‌السلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده دانشگاه پیام نور استان اصفهان.
۵. شارع‌پور، محمود (۱۳۹۸ش)، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران: انتشارات سمت.
۶. شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ شورای عالی وزارت آموزش و پرورش (۱۳۹۰ش)، مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران.
۷. کارگر، رحیم (۱۳۹۹ش)، مهدویت و سیاست‌های فرهنگی و ترویج آن در جمهوری اسلامی ایران، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۹. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، تهران: انتشارات اسلامیه.
۱۰. محدثی، جواد (۱۳۸۹ش)، فرهنگ‌نامه دینی، قم: انتشارات معروف.
۱۱. مرزوقی، رحمت‌الله (۱۳۸۷ش)، «سیمای مهدویت در برنامه‌های آموزشی مدارس: رویکردی به فلسفه تربیتی انتظار»، دوفصل‌نامه تربیت اسلامی، سال ۲، شماره ۷.
۱۲. موسوی، سید مهدی (۱۳۸۸ش)، مدرسه مهدوی (درآمدی بر فلسفه و نظام آموزش و پرورش زمینه‌ساز ظهور)، فصل‌نامه مشرق موعود، سال ۳، شماره ۱۰.
۱۳. میرلوحی، مرتضی (۱۳۸۷ش)، اهمیت تربیتی سکوت، برنامه درسی، نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم‌اندازها، تحقیق: دکتر محمد مهر محمدی، مشهد: انتشارات به نشر.
۱۴. نجم، نجمه (۱۳۹۶ش)، آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت، قم: مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم.
۱۵. نوذری، محمود (۱۴۰۰ش)، رویکرد اسلامی به مراحل تحول دینداری تولد تا هجده سالگی، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

16. Hoge, R.; Jackson, W. (1978). *Development of Religious Thinking in Adolescence: A Test of Goldman's Theories*. Journal for the Scientific Study of Religion. Vol. 17, No. 2, pp. 139-154.
17. Levenson, M. R.; Aldwin, C. M.; Cupertino, A. P. (2005). *Self-*

Transcendence; Conceptualization and Measurement. INT'L. J. AGING AND HUMAN DEVELOPMENT, Vol. 60(2). pp. 127-143.

18. Woolley, J. D.; Boerger E. A. Markman, A. B. (2004). A visit from the Candy Witch: factors influencing young children's belief in a novel fantastical being. *Developmental Science*. Vol. 7, Issue 4. Pp. 456-468.